

بررسی فقهی اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی*

جمال بیگی^۱

علیرضا داستان ایلخچی^۲

چکیده

اعمال نفوذ یا به تعبیر امروزی پارتی بازی یکی از مظاهر فساد اداری می باشد که قدمتی به درازای جامعه بشری داشته و رابطه مستقیم با توسعه نظام سیاسی و اقتصادی جوامع دارد. اهمیت این موضوع به حدی است که پیدایش آن باعث اختلال در نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و قضایی یک کشور می گردد. در یک نظام اداری و قضایی فاسد، کارکنان و مدیران و قضات آن با اعمال نفوذ برخلاف حق از موقعیت انحصاری خود در ارائه خدمات بهره گرفته و با سوء استفاده از موقعیت خود به تجارت پرداخته که این اقدام باعث لطمه به نظام سیاسی، اجتماعی و قضایی و کند شدن روند توسعه کشور و عدم رشد رقابت سالم و عدالت اجتماعی در جامعه می گردد. این پژوهش با به کارگیری شیوه اسنادی و بهره گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با هدف تبیین حرمت این موضوع و تاثیر این عمل نامشروع در جامعه از بعد اداری، اقتصادی، اجتماعی و قضایی با استناد به کتاب، سنت، برخی فتاوی فقهای معاصر شیعه و سنی و عقل تدوین شده است. نتایج این تحقیق نشان می دهد که دریافت هرگونه وجه از طریق اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی، از دیدگاه مشهور فقها اکل مال به باطل بوده و از مصادیق سحت محسوب می گردد. لذا می بایستی با فرهنگ سازی در جامعه از طریق امر به معروف و نهی از منکر به سلامت نظام اداری جامعه و توسعه روز افزون کشور همت گمارد.

واژگان کلیدی: اعمال نفوذ، پارتی بازی، حق، سحت، اکل مال به باطل.

* تاریخ دریافت ۹۵/۲/۱۰، تاریخ پذیرش ۹۶/۳/۱۲

۱- استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران. Jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir. (نویسنده مسئول)

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته فقه و حقوق جزا، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

«اعمال نفوذ» به مفهوم سوء استفاده از روابط خاص به جهت رخنه در تشکیلات اداری، پیامدهایی از قبیل افزایش تبعیض اجتماعی، بی ثمر ماندن تلاش افراد جامعه، تعلق زمام امور به افراد نالایق و... را به همراه خواهد داشت. (بهشتی، ۹۱) در جوامع کنونی، مهم ترین عوامل تبعیض میان مردم عبارت است از موقعیت مالی، شغلی، اجتماعی و وابستگی به هیأت حاکمه، که انسان های سودجو با استفاده از این عوامل در مناسباتی که با سایر آحاد مردم و حکومت دارند سوء استفاده نموده و برای کسب منافع بیشتر و موقعیت های بهتر حقوق دیگران را ضایع و پایمال می کنند. (بصیری، ۹۳)

اعمال نفوذ، طریقه ی دیگر انحراف از مسیر درست می باشد که الزاماً با فساد مالی همراه نیست و می توان آن را در گروه فساد اداری طبقه بندی کرد که مفهومی عام تر از فساد مالی دارد. (رحمدل، ۱۳۸۷، ص ۳۸) یکی از بسترهای شکل گیری و گسترش فساد، نظام های اداری است که آن را «فساد اداری» می نامند. فساد را در دستگاه های دولتی می توان با مصادیقی مثل پارتی بازی، بی عدالتی، باج خواهی، ایجاد نارضایتی ارباب رجوع و... شناخت و حتی آن را به تمام اشکال گوناگون اعمال قدرت شخصی و استفاده نامشروع از مقام و موقعیت شغلی تسری داد. (الوانی، ۱۳۷۹، ص ۴۴؛ هیود، همان، ص ۴۷۵)

با توجه به مطالب گفته شده اهمیت موضوع به وضوح آشکار می گردد چرا که مسأله اعمال نفوذ از بارزترین اشکال فساد اداری می باشد. دریافت هرگونه وجه از بابت اعمال نفوذ و هرگونه اعمال نفوذ مستلزم بررسی فقهی برای تبیین حرمت آن در جامعه به منظور پیشگیری از وقوع این عمل نامشروع و جلوگیری از تضییع حقوق مردم و دولت حائز اهمیت می باشد.

روش تحقیق و ابزار جمع آوری اطلاعات

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی می‌باشد که روش مورد استفاده برای گردآوری اطلاعات با استفاده از کتاب‌ها، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها، نرم‌افزارهای فقهی، تفسیر و سایت‌های حقوقی و فیش‌های مطالعاتی و نیز مراجع دخیل در امور حقوقی و مراجعه به سایت‌های تخصصی و حقوقی، اخذ نظرات متخصصین موضوع بوده و به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارائه‌ی مؤثرترین و مناسب‌ترین راه کار اطلاعات فیش‌های مطالعاتی به همراه نظرات مختلف پیرامون موضوع به دقت بررسی و ارزیابی شده و با تحلیل نظرات فقها و حقوق‌دانان، نظریه پردازی صورت گرفته است که جامعه‌ی آماری و روش نمونه‌گیری در تحقیق حاضر کشور ایران می‌باشد.

بحث و بررسی

اعمال نفوذ

مفهوم اعمال نفوذ در برگیرنده‌ی دو واژه‌ی "اعمال" و "نفوذ" می‌باشد. "اعمال" را در لغت به معنای «به کار بستن، به کار افکندن و به کار بردن» (معین، ۱۳۸۰، ص ۱۰۳) و "نفوذ" و "نفّاذ" را در معنی «سوراخ کردن و خارج شدن از آن طرف چیزی» دانسته‌اند. (قرشی، ۱۴۱۲، ص ۹۱) در جایی دیگر نیز در خصوص نفوذ چنین آمده است «نَفَّذَ السَّهْمَ خَرَقَ الرَّمِيَّةَ وَ خَرَجَ مِنْهَا»^۲. (احمد بن محمد مقرئ، ۱۳۸۳، ص ۶۱۶) و جاری شدن حکم و فرمان و مؤثر نمودن خواسته و هدف می‌باشد (ایمانی، ۱۳۸۲، ص ۶۸) معادل لغوی آن به لاتین در برگیرنده‌ی عبارات "The exercise of" "influencen"، "using ones influence" می‌باشد. (رشیدیه، ۱۳۹۰، ص ۱۷۲)

اعمال نفوذ کردن؛ نفوذ و قدرت را به کار بستن از مقام خود در انجام دادن کاری استفاده کردن، اعتبار و شخصیت خود را به کار بردن. (دهخدا، ص ۲۳۸) "نفوذ"، شکلی از قدرت است؛ اما متمایز از کنترل، اجبار، زور و مداخله. (آقا بخشی، ۱۳۸۶، ص ۳۱۴)

^۱ - Influence

^۲ - تیر هدف را سوراخ کرد و از آن طرف خارج شد.

در قرآن کریم از برخی کلمات تحت عنوان نفوذ و نفوذ مخفیانه نام برده شده است. آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه کلمه ی "غِلَّ" (آیه ۴۳ سوره اعراف) را چنین معنی می کند: که «نفوذ مخفیانه چیزی است و به همین جهت به حسد و کینه و دشمنی که به طرز مرموزی در جان انسان نفوذ می کند غِلَّ گفته می شود و اگر به رشوه نیز "غُلُول" می گویند به این مناسبت است که نفوذ مخفیانه برای انجام خیانتی می باشد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶، ج ۶، ص ۱۲۲)

اعمال نفوذ که در ادبیات عامیانه یعنی عرف جامعه با تعبیری نظیر پارتی بازی^۱ یا بند (پ) نیز از آن نام برده می شود. (که منظور از آن پول و پارتی است)، عموماً بر تبعیض و جایگزینی رابطه به جای ضابطه دلالت دارد. این واژه برگرفته از لغت لاتین بوده و به معنای حزب، گروه، طرفداری و جانب داری می باشد و در سده ی اخیر وارد زبان فارسی گردیده است، گرچه در زبان انگلیسی برای این مفهوم از واژه هایی نظیر فیوریتیسیم^۲ و نپوتیسیم^۳ استفاده می گردد. در انگلیسی پارتی بازی همان حزب بازی است که در کشورهای اروپایی معنای بدی ندارد، اما در نزد ایرانیان با معنا و مفهومی منفی، آمیخته شده است. (نجاری، ۱۳۸۰، صص ۶۴-۶۳)

حقّ

«حقّ» در لغت به معنی راست بودن، حقّ بودن، ثابت بودن (شدن). (آذر نوش، ۱۳۹۰، صص ۱۳۲-۱۳۱) در مقابل حقّ، باطل است. که در لغت به معنی بیهوده، دروغ می باشد. (همان، ص ۴۱) در لغت نامه ی دهخدا «حقّ» را چنین بیان می نماید: راست کردن سخن، درست کردن وعده، ثابت شدن، موجود ثابت و نامی از اسامی خداوند متعال. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۹۱۴۲) فرهنگ المنجد نیز برای واژه ی «حقّ» چند کاربرد و معنا ذکر می کند که برخی از آنان از این قرار است: ضدّ باطل، عدل، مال، ملک، حظّ و

^۱ - party

^۲ - Favoritism

^۳ - Nepotism

نصیب، (معلوف، ۱۳۸۱، ص ۱۴۴) معنای لغوی حق یعنی نقیض باطل است و حق الامر: آن کار محقق و ثابت شد. (ابن منظور، ۱۳۸۵، ص ۳۳۲) در قرآن هم "حق" به معنای "ثابت گردید" آمده است. (سوره قصص، آیه ۶۳)

معیار تشخیص حق از باطل از دیدگاه قرآن

الف - در آیه ی ۲۹ سوره انفال خداوند متعال می فرماید «ای مومنان اگر تقوا پیشه کنید خداوند فرقان یعنی وسیله تشخیص حق از باطل را به شما عطا می کند»

ب - و (نیز به خاطر آورید) هنگامی که موسی، کتاب و وسیله تشخیص (حق از باطل) را داریم تا هدایت شود (آیه ۵۳ سوره بقره)

حق در فقه

میرزای نائینی در تعریف آن می گوید: «حق عبارت است از سلطه ی ضعیف بر مال یا منفعت.» (نائینی، ۱۴۱۸، ص ۱۰۶). «حق» یک مرتبه ی ضعیفی از ملک و بلکه نوعی از ملکیت است.» (مدرس، ۱۳۷۵، ص ۲۷)

سحت

کلمه ی "سحت" به معنای پوسته ای است که دور ریخته می شود و در قرآن مجید آمده آن جا که فرموده: "فَيَسْحَتِكُمْ بَعْدَآبٍ" ^۱ به محظور و عمل نادرستی که مرتکبش را ننگین می سازد «سحت» گفته می شود. مانند این که این گونه اعمال، دین و مروّت مرتکب را می پوشانند و به پوسته ای در می آورد که باید دور ریخته شود و به همین معنا است که در قرآن کریم فرموده: "أَكَاوَنَ لِّلْسَحْتِ" ^۲ رسول اکرم (ص) می فرماید: هر

^۱- در اصل به معنای کندن پوستِ محافظِ درخت است؛ پوست کدنی که سبب برهنه شدن درخت از قشر رویی و در نهایت باعث پوسیده شدن خود درخت از ریشه می شود؛ یعنی بعضی از گناهان بنیان انسان را می پوساند و او را از بین می برد.

^۲- بسیاری چیزهایی که دین آنان را می پوشانند.

گوشتی که از گناه و لذت حرام در بدن رویده و افزوده شود آتش عذاب برایش شایسته تر است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۹۱) تعبیر "اکل سحت" مترادف با "اکل مال به باطل" می باشد و اشاره بر اموری چون رشوه، است. «سحت هر چیزی که کسب آن حلال نباشد و یا هر نوع حرام خواری و درآمد نامشروع را شامل می شود». (اسماعیلی، ۱۳۹۳، ص ۲)

در کتاب "عیون اخبار الرضا(ع)" از امیر مومنان علی (ع) روایت است که در معنی آیهی شریفه «أَكَلُونَ لِلسُّحْتِ» (خورندگان حرامند. مائده آیه ی ۴۲) فرمودند: مراد شخصی است که حاجتی از برادر مؤمنش برآورد و آن گاه هدیهی او را بپذیرد. یعنی به طمع مال، حاجت روا کند و رشوه خواری نماید. (مستفیذ و غفاری، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۳)

فرق است بین «حرام» و «سحت»، همانا «سحت» مبالغه در صفت حرام است و برای این است که گفته می شود «حرام»، «سحت» است و گفته نمی شود «سحت»، «حرام» است. (عسگری، ۱۴۰۰ ق، ص ۲۲۸) هر کسب و کار و حرفه‌ی حرام که نتیجه‌ی آن عار و ننگ باشد مانند گرفتن رشوه، اسم مصدر و شیء مستأصل شونده است. (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۳۷)

با توجه به بحث هایی که در این خصوص صورت گرفته است بنا به دلایلی که هرکدام ذکر خواهد شد اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی از نظر فقهی بررسی خواهد شد لذا بر این مبنا از جمله دلایل اجتهادی، کتاب، سنت می باشد و آن گاه فتاوی فقهای معاصر و دلیل عقلی در این خصوص نیز مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

کتاب

قرآن در اصل مصدر است و کتابی که بر پیامبر اکرم(ص) اختصاص پیدا کرده است. و چنان که برخی علما گفته‌اند: وجه نام‌گذاری این کتاب مقدس به قرآن، آن است که این

کتاب، جامع فوائد و آثار تمامی کتب آسمانی است بلکه جامع آثار تمامی علوم است. در قرآن مجید در سه آیه شریفه ترکیب اکل مال به باطل آمده که در دو مورد با نهی "لا تأکلوا" و یک مورد بدون نهی بوده اما در مقام زشتی و نفرت الهی است.

آیه ی حرمت رشوه

در آیه ی ۱۸۸ سوره ی بقره از قرآن مجید آمده است: "اموال یکدیگر را بین خود به ناحق نخورید و آن را به رشوت به حکام (ظالم) مدهید تا (با اعمال نفوذ) بخشی از اموال مردم را آگاهانه به ناروا بخورید". "اکل مال به باطل" عبارت است از این که مال کسی را بدون مجوز قانونی به دیگری منتقل شود یا در اختیار او قرار گیرد در فقه این امر را تحت اصطلاح "اکل مال به باطل" بیان می کنند و آن را از مدلول آیه ی فوق گرفته اند. در اصطلاحات جدید از همین معنی تعبیر به دارا شدن بدون جهت و گاهی تعبیر به: «دارا شدن غیر عادلانه» شده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۷۴)

آیه فوق اشاره به یک اصل کلی و مهم اسلامی دارد که می توان گفت: در تمام مسائل اقتصادی حاکم بوده و تمام ابواب فقه اسلامی در بخش اقتصاد، زیر پوشش آن قرار دارد. به همین دلیل، فقهای بزرگ ما در بخش های زیادی از فقه اسلامی به این آیه تمسک می جویند، می فرماید: (لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱) طباطبایی در تفسیر المیزان منظور از باطل را اشاره به اموالی می داند که از طریق سوگند دروغ و (انواع پرونده سازی های دروغین) به دست می آید. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۹۲) ولی ظاهر این است که مفهوم آیه عمومیت داشته و همه ی این مسائل و غیر این ها را شامل می شود زیرا باطل که به معنی زایل و از بین رفته است، همه را در بر می گیرد. بنابراین هر گونه تصرفی در اموال دیگران از غیر طریق صحیح و ناحق مشمول این نهی الهی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۱)

با توجه به موارد فوق تحصیل، استفاده های ناروا و تصرفات ضالمانه و غاصبانه در اموال و از بین بردن حقوق دیگران، در یک کلام اکل مال به باطل است. بنابراین اکل مال

به باطل یک نظریه عمومی است و تمام انواع روابط اقتصادی و تحصیل ثروت از رهگذر باطل را شامل می‌شود. به نظر قرآن مجید چنین اقداماتی سبب هلاکت و نابودی مردم و از هم گسستگی جامعه می‌مؤمنین است. (محقق داماد، ۱۳۹۳، ص ۸) اما حکم شرعی اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی که از جمله ی اکل مال به باطل می‌باشد، با امعان نظر از متن آیه ی ۱۸۸ سوره ی بقره، حکم اولیّه و مستقیم در این آیه حکم تکلیفی یعنی حرمت بالذات عمل اکل مال به باطل است، چرا که ظهور نهی صریح کاملاً بر این نکته دلالت دارد هم چنان که در آیه ی مربوط صریحاً بر ارتشاء تطبیق داده شده است و ترکیب اکل مال به باطل در قرآن مجید بر محرّمات کبیره اطلاق گردیده است. نظر «طبرسی» این است که بهتر است همه ی این معانی را مصداق آن بدانند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۳۴)

نکاتی که از این آیه در خصوص اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی می‌توان برداشت نمود:

۱- در این آیه که نهی از خوردن مال مردم به ناحق می‌باشد بعد از نهی از خوردن و آشامیدن و آیه‌ی روزه است. بنابراین هر دو شاخه‌هایی از تقوی محسوب می‌شوند. و اگر انسان تقوی داشته باشد مطمئناً از اعمال نفوذ بر خلاف حق نیز پرهیز خواهند نمود.

۲- اعمال نفوذ بر خلاف حق نیز از موانع بزرگ عدالت اجتماعی بوده و هست و حتی باعث می‌شود قوانینی که قاعدتاً باید حافظ منافع طبقات ضعیف باشد به سود مظالم و طبقات نیرومند که باید قانون آن‌ها را محدود کند به کار بیفتد.

۳- در هر حکومتی اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی، پارتی بازی، کار چاق کنی باشد نه تنها ظلم، فساد، بی‌عدالتی و تبعیض در همه ی سازمان‌های حکومت نفوذ می‌کند از قانون عدالت جز نامی باقی نخواهد ماند. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۱)

آیه ی معاملات و مبادلات مالی

سوره ی نساء آیه ی ۲۹ می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید مگر این که تجارتی با رضایت شما انجام گیرد.» می توان گفت این آیه در واقع زیر بنای قوانین اسلامی در مسائل مربوط به معاملات و مبادلات مالی را تشکیل می دهد. بنابراین، هرگونه تجاوز، تقلب، غش، معاملات ربوی، معاملاتی که حدّ و حدود آن کاملاً مشخص نباشد، خرید و فروش اجناسی که فایده ی منطقی و عقلایی در آن نباشد، خرید و فروش وسایل فساد گناه، همه تحت این قانون کلی قرار دارد. در پایان آیه، می فرماید: «و لا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا». در حقیقت قرآن با ذکر این دو حکم پشت سر هم اشاره به یک نکته ی مهم اجتماعی کرده است و آن این که اگر روابط مالی مردم بر اساس صحیح استوار نباشد و اقتصاد جامعه به صورت سالم پیش نرود و در اموال یکدیگر به ناحق تصرف کنند، جامعه گرفتار یک نوع خودکشی و انتحار خواهد شد و علاوه بر این که انتحارهای شخصی افزایش خواهد یافت، انتحار اجتماعی هم از آثار ضمنی آن خواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، صص ۱۸۶-۱۸۵)

شاید رمز این که نهی از قتل، «لا تَقْتُلُوا» بدنبال نهی از حرام خوری، «لا تَأْكُلُوا» آمده است، آن باشد که سیستم اقتصادی ناسالم، زمینه ی قیام محرومان علیه زراندوزان را فراهم نموده و باعث بروز درگیری ها و پیدایش قتل و هلاکت جامعه است. (قرائتی، ۱۳۸۳، ص ۸۳) اعمال نفوذ بر خلاف حق جزء اعمال حرام محسوب می شود، از سویی دیگر همانند جامعه امروزی، اگر این عمل در جامعه شیوع پیدا نماید ضمن به خطر انداختن روابط اجتماعی، به سیستم اقتصادی جامعه نیز لطمات زیادی وارد خواهد نمود.

آیه ی داوری

^۱ - و خودکشی نکنید، خداوند نسبت به شما مهربان است.

در آیه ۴۲ سوره ی مائده می‌فرماید: آنان بسیار به سخنان تو گوش می‌دهند تا آن را تکذیب کنند، مال حرام فراوان می‌خورند. اگر نزد تو آمدند در میان آنان داوری کن یا اگر صلاح بود آنان را به حال خود واگذار و اگر از آنان صرف نظر کنی به تو زیان نمی‌رسانند و اگر در میان آنان داوری کنی با عدالت داوری کن که خدا عادلان را دوست دارد. علمای یهود در اثر اعمال نفوذ اشراف و بزرگان یهود و دریافت رشوه احکام جداگانه در مورد زنا صادر می‌نمودند به طوری که در اثر این تبعیض، زنا در میان اشراف شایع شد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۷۰۶) اگر در یک جامعه پارتی بازی و تبعیض به حدی برسد که دیگر اعمال قبیح اثر و ارزش قبیح بودن خود را از دست بدهد در این صورت قانون صرفاً ابزاری خواهد بود در دست اقشار متمول جامعه برای رسیدن به خواسته های ناقص خود و زیر فشار قرار دادن قشر ضعیف، که در چنین جامعه ای ظلم و گناه توسعه یافته و اعمال قبیح و حرام با ارزش و ارزش های الهی به ضد ارزش تبدیل خواهد شد.

آیات و وظیفه شناسی دانشمندان

قرآن در دو آیه ۶۲ و ۶۳ سوره ی مائده می‌فرماید: "بسیاری از آنان را می‌بینی که در گناه و تعدی، و خوردن مال حرام، شتاب می‌کنند! چه زشت است کاری که انجام می‌دادند." "چرا دانشمندان نصاری و علمای یهود، آن‌ها را از سخنان گناه‌آمیز و خوردن مال حرام، نهی نمی‌کنند؟! چه زشت است عملی که انجام می‌دادند!" حکایت از مولود کفر اعتقادی، فسادهای اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی دارد.

«اتم» به گناهی گفته می‌شود که هم زبانی و هم عملی صورت می‌گیرد و ضرر اجتماعی آن بیش تر از ضرر فردی اش است. «وَ الْعَدُوَانِ» علامه (ره) عدوان را گناهی می‌داند که بین بنده و خدا باشد به عبارتی دیگر عدوان به سایر مردم ضرر نمی‌زند «وَ أَكْلِهِمُ السُّحْتِ» بیانش گذشت. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۴۸) در این جا سخن از

سُحت» است و این گونه ای از اموال نامشروع است چرا که صفا و طراوت و برکت را از اجتماع انسانی می برد. (قرائتی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۸)

جرم اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی از جمله فسادهای اداری و اجتماعی است که بدتر از فسادهای فردی است یعنی اعمال نفوذ بر خلاف حق چون از جمله ی فسادهای اجتماعی و اداری است و زیان آن نسبت به کل جامعه است نه به یک فرد، بنابراین « اثم » محسوب می شود.

در آیه ی ۶۳ سوره ی مائده جمله را متوجّه دانشمندان آن ها که با سکوت خود آنان را به گناه تشویق می نمودند، می فرماید: «چرا دانشمندان مسیحی و علمای یهود، آن ها را از سخنان گناه آلود و خوردن اموال نامشروع باز نمی دارند؟» «رَبَّانِیُونَ»؛ « مترجم گوید « که در شرح عدّه ی لغت مذکور است که ربّیون علما اند و مفردش «رَبّی» است. (اردکانی، ۱۳۳۷، ص ۲۱۶) ربّانی لفظی است در اصل سریانی، چون تازه و بی سابقه است، شیخ طریحی می گوید: ربّانِیون کسانی هستند که در علم و عمل کاملند. (خسروی، ۱۳۸۳، ج ۲، صص ۳۲-۳۱) «الْحَبْر» یعنی دانشمند که جمعش اَحْبَار است یعنی علمای یهود می باشد. (همان، ج ۱، ص ۴۴۳)

آیه شریفه نمونه ای از رذایل و گناهان آنان را می شمارد. آن گاه به مذمت آن رذایل پرداخته و سپس به دنبال آن، علمای آنان یعنی ربّانِیین و احبار را توبیخ می کند و به این جرمشان مؤاخذه می نماید که آنان حضور داشتند و آلودگی ها و گناهان ملّت خود را می دیدند، و می توانستند ایشان را راهنمایی نموده و از منکر نهی شان نمایند و لیکن نکردند و آنان را از این گونه گناهان موبقه و بس بزرگ جلوگیری نمودند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۴۹) آیه، راه اصلاح جامعه ی فاسد را که باید از انقلاب فکری شروع شود، به دانشمندان نشان می دهد. و به این گونه روشن می شود سرنوشت کسانی که وظیفه ی بزرگ امر به معروف و نهی از منکر را ترک می کنند- به خصوص اگر از

دانشمندان و علما باشند- سرنوشت همان گناه کاران است و در حقیقت شریک جرم آن ها محسوب می شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶، ج ۴، ص ۲۶۷)

نفس عمل سکوت دانشمندان و علما در مقابل گناهان قولی و فعلی مذمت شده است بنابراین تبعیض، پارتی بازی، اعمال نفوذ از جمله ی منکرات جامعه می باشد و همان طوری که سحت نیز از جمله گناهان عملی و فعلی محسوب می شود و دریافت هرگونه مالی از اشخاص با ادعای اعمال نفوذ و یا پارتی بازی از جمله مصادیق سحت محسوب می شود بنابراین بر همه ی دانایان جامعه لازم است که با این گونه منکرات مبارزه نمایند. چرا که از مذمت شدیدی که نسبت به ترک نهی از منکر شرع مداران یهودی و نصاری آمده است دو جریان برداشت می شود. نخست وجوب نهی از منکر و دوّم این که این وجوب بر عهده ی شرع مداران و نیز هرکه شرایط نهی از منکر را داشته باشد. (صادقی تهرانی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۸۰) اگر در یک جامعه فکر پارتی بازی، تبعیض، بی عدالتی، اعمال نفوذ بر خلاف حقّ شایع گردد آن جامعه قطعاً به سوی فساد سوق داده خواهد شد. تا در افکار مردم انقلاب پیدا نشود، نمی توان انتظار اصلاح اعمال آنان را داشت. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۱۶۷) اسلام مبارزه ی همه جانبه‌ای را در تمام عرصه ها به خصوص در امر پیشگیری و از بین بردن زمینه های فساد در جامعه دارد. در این آیات نیز وظیفه شناسی دانشمندان به عنوان یکی از زمینه های اعمال نفوذ، پارتی بازی، فساد، بیان می نماید.

سنت

«سنت» در لغت، به معنای راه و روش پسندیده می باشد. سنت در اصطلاح علمای عامه، عبارت است از: قول (گفتار)، فعل (رفتار) و تقریر (امضای) پیامبر صلوات الله علیه. ولی در اصطلاح علمای شیعه، سنت عبارت است از: قول، فعل و تقریر معصوم صلوات الله علیه. (مظفر، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۷۱-۶۴)

سنت رسول اکرم (ص)

اسلام همواره مردم را به پیشگیری از هر نوع جرم دعوت می کند. بنابراین لازمه ی پیشگیری از بروز هر نوع جرم علی الخصوص پارتی بازی و اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی، اجرای عدالت می باشد. چرا که این جرم از جمله خطراتی که روند اجرای عدالت را در بخش های مختلف نهاد های دولتی و عمومی تهدید می کند. اجرای عدالت، از بسیاری جنگ‌ها، اضطراب‌ها، هرج و مرج های سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و بحران های اقتصادی جلوگیری می کند. (رضایی اصفهانی، ج ۵، ص ۶۰)

پیامبر اکرم (ص) در گفتار نیز همیشه اصحاب و مردم را از هرگونه تبعیض، بی عدالتی، در تمام امورات و شئون زندگی و اجتماعی و حکومتی نهی می کرد. ایشان وقتی علی (ع) را برای قضاوت به یمن فرستاد به او فرمود: ای علی هر زمان میان دو نفر قضاوت می کنی به نفع نفر اول قضاوت مکن تا آن که گفته ی دیگری را هم بشنوی». (حسینیان قمی و صبوری ۱۴۲۹، ج ۳۰، ص ۱۲۷) پیامبر اعظم (ص) همواره در طول زندگی پر برکت شان الگوی کامل عینی و عملی عدالت بودند که به عنوان نمونه عدالت اجتماعی ایشان در عدم تبعیض در اجرای قانون ذکر می شود.

در فتح مکه، زنی از قبیله ی بنی مخزوم مرتکب سرقت شد و از نظر قضایی جرم او محرز گردید، خویشاوندان او که هنوز رسومات نظام طبقاتی در لابلای ذهن شان به جای مانده بود و اجرای مجازات را ننگ خانواده ی اشرافی خود می دانستند، به تکاپو افتادند بلکه بتوانند مجازات را متوقف سازند، اسامه بن زید را که مانند پدرش نزد رسول خدا (ص) محبوبیت خاصی داشت وادار کردند به شفاعت برخیزد، او همین که زبان به شفاعت گشود، رنگ صورت پیامبر اعظم (ص) از شدت خشم، بر افروخته شد و با عتاب و تشدد فرمود: «چه جای شفاعت است، مگر می توان حدود قانون خدا را بلا اجرا گذاشت؟» دستور مجازات صادر نمود و اسامه متوجه غفلت خود گردید و از لغزش خود عذر خواست و استدعای طلب مغفرت نمود. (نوری، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۷)

سنت امیر المؤمنین علی (ع)

امام علی (ع) نیز به مثابه ی سنت پیامبر اکرم ضمن برحذر نمودن اقوام و خویشان از دست درازی به بیت المال و سوء استفاده از موقعیت و هرگونه اعمال نفوذ، همگان را بر پیشگیری از این آفت بزرگ نهیب می زند. امام علی (ع) در نامه ی خود خطاب به مالک می فرماید: ای مالک! حکمران، نزدیکان و خویشانی دارد که (به دلیل نزدیکی به منابع قدرت و داشتن پارتی های کلان و صاحب نفوذ)، همه چیز را برای خود می خواهند، و به اموال مردم دست درازی می کنند. تو باید ریشه ی این جریان را در حاکمیت از بیخ برکنی و به دور افکنی و روی خوش به آنان نشان ندهی، و از آنان در برابر قانون و حقوق مردم و رنج مایه ی مستضعفان طرفداری نکنی و... (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۱۵)

نگاهی به فتاوی برخی فقهای معاصر

فقهای متأخر پارتی بازی و اعمال نفوذ برخلاف حق و یا هرگونه تبعیض را جایز نمی دانند. حضرت امام خمینی (ره) به عنوان یک فقیه و مجتهد آگاه به امور، ضمن محکوم نمودن هر گونه تبعیض و پارتی بازی، تقوا و تعهد به اسلام را تنها کرامت انسان ها می دانند. (موسوی خمینی (ره)، ۱۴۲۳، ص ۱۵) در استفتائاتی که از عالمان و فقیهان دین انجام شده است همگی به اتفاق، بر جایز نبودن چنین عملی تأکید نموده اند؛ از جمله می توان به پرسشی که در خصوص پارتی بازی از نظر اسلام و حکم آن از آیت الله وحید خراسانی، آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم شیرازی و علمای اهل سنت صورت گرفته چنین پاسخ فرموده اند: «اگر بر خلاف مقررات حکومت اسلامی باشد جایز نیست». و یا چنان چه با پارتی بازی حقی از دیگری ضایع شود به طوری که توان

علمی و قدرت اجرای آن فرد از شما بالاتر است، در این خصوص پارتی بازی حرام است و این کار در حق افراد واجدالشرايط و مسئولین، ظلم محسوب می‌شود.

دلایل عقلی

فقه‌های شیعه عقل را به عنوان یکی از ادله‌ی چهارگانه فقه در آورده اند ولی کاربرد آن منحصر به مواردی می‌دانند که نصی از قرآن و سنت وجود نداشته باشد. به عقیده‌ی اکثریت فقه‌های شیعه (اصولیون) شرع با زبان عقل با انسان سخن گفته و وحی، دو چراغ پر فروغ، فرا راه زندگی انسان قرار داده شده است. شرع آن چه را که عقل درک کرده است تأیید نموده و به آن اشاره کرده و آن چه را که از درکش ناتوان بوده راهنمایش کرده است. از آن جا که کلیه‌ی احکام الهی مبتنی بر مصالح و مفاسد واقعی و بر اساس واقع نظری و به مصلحت انسان است، نظام حقوقی اسلام مبتنی بر حق و عدل و نتیجتاً عقلانی است. (عمید زنجانی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۱۰۹) بنابراین یکی از مصادیق روشن حُسن عقلی، عدالت و قسط و از مصادیق قبح عقلی، پارتی بازی، اعمال نفوذ بر خلاف مقررات قانونی، توصیه پذیری برای امر ناحق، تبعیض، امتیاز طلبی به ناحق و ... که به نوعی ظلم اطلاق می‌شود چرا که حقوق انسان‌ها ضایع می‌شود و از طرفی عقل تمامی افعالی که منجر به تضییع حقوق انسان‌ها می‌شود قبیح می‌شمارد و از طرف دیگر عقل، عدالت و قسط و هر آن چیزی که باعث می‌شود به حقوق کسی آسیب و ضرر وارد نگردد، آن را حسن دانسته و مدح می‌نماید.

نتیجه گیری

اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی با توجه به آیات قرآنی از جمله‌ی «مصادیق «اکل مال به باطل» تلقی می‌گردد. با توجه به این که هر گونه تصرف در اموال دیگران و تجاوز به حقوق مردم نوعی تملک و تسلط غیر شرعی و مال مردم خوری محسوب می‌گردد، لذا حکم اولیه و مستقیم، حکم تکلیفی یعنی حرمت بالذات عمل

«اکل مال به باطل» است. هر اکل مال به باطلی از مصادیق «سحت» محسوب می شود. پس رابطه ی منطقی بین «سحت» و «اکل مال به باطل» عموم و خصوص مطلق بوده و دامنه ی شمول «سحت» وسیع است و تنها یک مصداق آن «اکل مال به باطل» است. بنابراین مالی که بدون دلیل منطقی و شرعی که در نهایت به ننگ و خرابی و فساد فرد و جامعه، منجر می گردد، از جمله ی «اکل مال به باطل» محسوب می گردد و مالی که از طریق اعمال نفوذ بدست آید «اکل مال به باطل» است و از مصادیق «سحت» می باشد. اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی از جمله فساد های اداری و اجتماعی است که بدتر از فساد های فردی است و زیان آن نسبت به کل جامعه است و از جمله مصادیق «اتم» محسوب می گردد.

اگر در جامعه فکر پارتی بازی، تبعیض، اعمال نفوذ، شایع گردد آن جامعه قطعاً به سوی فساد سوق داده خواهد شد. همانطور که قرآن کریم همگان را بر برخورد با این فکر ترغیب می کند، مخصوصاً خواص را، بنا بر این باید این فرهنگ مذموم از جامعه ریشه کن شود. تا وقتی مردم جرایم مذکور را مذموم و زشت ندانند، اقدامات قهری نتیجه نخواهد داد. تا در افکار مردم انقلاب پیدا نشود نمی توان انتظار اصلاح اعمال آن را داشت. اعمال نفوذ برخلاف حق از جمله منکرات است و مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر در درجه ی اول با علماست. درست کاری قضات و شرایطی برای قضات از جمله عدالت، استقلال قضایی، دسترسی آسان مردم به خدمات قضایی، سلامت و درست کاری فرآیند وکالت، به منظور پیشگیری از هر گونه اعمال نفوذ در دستگاه قضایی می باشد.

فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم ترجمه ی الهی قمشه ای
- نهج البلاغه ترجمه ی محمد دشتی

منابع فارسی

۱. آقابخشی علی اکبر، افشاری راد مینو. (۱۳۸۶). فرهنگ علوم سیاسی، چاپ دوم. ویرایش ششم. تهران: انتشارات چاپار
۲. آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۷۹). فرهنگ معاصر عربی- فارسی. چاپ سیزدهم. تهران: نشر نی.
۳. اسماعیلی، اسماعیل. (۱۳۹۳). اکل مال به باطل در بینش فقهی شیخ انصاری. پرتال جامع علوم انسانی. ۱۳۹۳/۰۶/۱۱
۴. الوانی، سید مهدی. (۱۳۸۶). مدیریت عمومی، چاپ سی و یکم. تهران: انتشارات نی.
۵. بهشتی، زهرا. (۱۳۹۱). اعمال نفوذ در ایران و کنوانسیون مریدا. کارشناسی ارشد. واحد بین الملل دانشگاه شیراز.
۶. بصیری، مرتضی. (۱۳۹۳). جرم اعمال نفوذ و پیشگیری از آن. کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۷. پور طباطبایی، هاشم. (۱۳۴۲). اعمال نفوذ. حقوق امروز. شماره ۵، صص ۳۵-۳۳.

۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۸). ترمینولوژی حقوق. چاپ بیست و یکم. تهران: کتاب خانه گنج دانش.
۹. جعفری، یعقوب. (۱۳۷۶). تفسیر کوثر. قم: انتشارات هجرت
۱۰. حسینی شاهرودی، سید محمد. (۱۳۸۴). مقابله شریعت با فقر، فساد و تبعیض، مجله حصول، شماره ۴،
۱۱. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۸۳)، مفردات الفاظ قرآن، چهار جلد، مترجم غلامرضا خسروی محقق غلام رضا خسروی حسینی. تهران: مرتضوی
۱۳. رحمدل، منصور. (۱۳۸۷). بررسی تحلیل بزه اعمال نفوذ توسط مأمورین دولت و رابطه آن با فساد مالی کارمندان. علوم اجتماعی. مطالعات پیشگیری از جرم. شماره ۷۰، صص ۵۸-۳۳.
۱۴. رشیدی، هرمز. (۱۳۹۰). فرهنگ تشریحی - کاربردی حقوق فارسی - انگلیسی. جلد اول. چاپ اول. تهران: انتشارات نوربخش.
۱۵. صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۸۸). ترجمان و فرقان. قم: انتشارات شکرانه.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. جلد پنجم. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. طباطبایی بروجردی، آقا حسین. (۱۴۲۷). منابع فقه شیعه. مترجمان مهدی حسینیان قمی، محمد حسین صبوری. تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
۱۸. عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۴۲۱). فقه سیاسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

۱۹. قرشی، سید علی اکبر. (۱۴۱۲). قاموس قرآن، جلد سوّم و چهارم، چاپ ششم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۹۳). تحصیل نامشروع مال در حقوق اسلامی، چاپ اوّل. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی. ۴۱۶ صفحه
۲۱. مدرس، علی اصغر. (۱۳۷۵). حقوق فطری یا مبانی حقوق بشر، مکتب های حقوقی در حقوق اسلام. تبریز: نوبل.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۷). دائرة المعارف فقه مقارن. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). پیام قرآن. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۴. موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۳). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
۲۵. نجاری، رضا. (۱۳۸۰). علل تخلفات اداری و چگونگی پیشگیری از آن ها. تهران: نشر میزان.

منابع عربی

۲۶. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب، جلد دوّم. چاپ سوّم. بیروت: نشر دار صادر.
۲۷. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۳). عیون اخبار الرضا علیه السلام. مترجم حمید رضا مستفید و علی اکبر غفاری. تهران: نشر صدوق.
۲۸. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۳۷). اسرار توحید، مترجم، محمد علی اردکانی. تهران: انتشارات علمیّه اسلامیّه.

۲۹. مقری، احمد بن محمد. (۱۳۸۳). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی. جلد دوّم. چاپ سوّم. قم: دارالهجره.
۳۰. معین، محمد (۱۳۸۰). فرهنگ فارسی یک جلدی. چاپ اوّل. تهران: نشر سرایش.
۳۱. معلوف، لویس. (۱۳۸۱). المنجد فی الغة. چاپ سی و هفت. قم: ذوی القربی
۳۲. نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۹ ق). مُستدرکُ الوسائل. جلد هشتم. چاپ چهارم. بیروت: مؤسسه آل بیت.
۳۳. طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۴. عسگری، حسن بن عبدالله. (۱۴۰۰). الفروق فی اللغة. بیروت: دارالافتاء الجدیدة.
۳۵. مظفر، محمد رضا. (۱۳۹۰). اصول الفقه. ترجمه عباس زراعت و حمید مجد سرایی، چاپ سوّم، قم: معراج پیام نوآور.